

بن لادن ، آفتی که سیا آنرا بر افغانستان نازل کرد!

از هنگامی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، با اجرای کودتای ۷ ثور ، نظام پذیرفته شده جمهوری را با نخستین رئیس جمهور آن در افغانستان ساقط کرد و بجای آن نظامی دموکراتیک با آرمانهای سوسیالیستی را جاگزین نمود، زمین زیر پای پاکستان متحد امریکا آتش گرفت. و باز هنگامی که اتحاد شوروی در ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ بر کشور ما تجاوز نمود، موازی با عکس العمل جهانی در برابرین تجاوز، سیا CIA با همدستی سازمان های استخباراتی پاکستان و عربستان سعودی و اسرائیل و انگلستان و غیره در صدد برآمد تا کمربه جهاد بر ضد شوروی ببندد و انتقام شکست امریکا در ویتنام را از شوروی در افغانستان بگیرد. از همان زمان تا امروز سی سال میشود که افغانستان در آتش افراطگرایان اسلامی تحت رهبری بن لادن و ایمن الظواهری و ملا عمر و حکمتیار و ربانی و مولوی حقانی و گروه های افراطی هفتگانه و هشت گانه میسوزد تا جائی که شعله های این آتش دامن امریکا و اروپا را نیز گرفته است. امریکا برای نابودی این آفت خانمانسوز با همیاری ۴۰ کشور دیگر جهان بر افغانستان هجوم آورده و از مدت هشت سال است که مناطق جنوب و جنوب شرقی و جنوب غرب کشور را با ریختن بمب های چند هزار کیلوئی بمباران میکند ، ولی این آفت دامن امریکا و انگلیس و مردم افغانستان را تا هنوز رها نکرده و تازه از یخن پاکستان نیز گرفته است.

یوسف بودانسکی (تحلیلگر مسایل: تهدید نظامی، و مدیر نیروهای ضربه برد هشت افگنی و جنگ افزارهای غیر عادی، و نویسنده هفت کتاب در مورد دهشت افگنی) در کتابی تحت عنوان «**بن لادن مردی که با امریکا اعلام جنگ داد**» یاد آور میشود: دگرگونی ژرفی که ذهن بن لادن را فراگرفت ، یورش نیروهای شوروی در اواخر ۱۹۷۹ برای نجات رژیم چپگرا بود. این امر تمام جهان، به ویژه اسلام را تکان داد.

در همان زمان شهزاده ترکی ، رئیس استخبارات سعودی بیان داشت که هدف شوروی «نفت» ماست . این امر فرصت مناسب را برای حضور بن لادن در «بازی بزرگ» فراهم ساخت . او با سرعت در صفت آنانی که روسیه را محکوم نمودند، پیوست و راهی پاکستان و مرز افغانستان شد. او باری گفته بود: «**یک روز جنگیدن در افغانستان، برابر با هزار روز نماز در مسجد، ثواب دارد**». او در آنجا با سرعت دست به سازماندهی و سر بازگیری زد. او نهادی به نام «مساعدت الانصار»، (دستگاه کمک رسانی به مجاهدین افغانی) را پایه گذاری نمود. این ساختار چون مقناطیسی دیگر سازمان های دهشت افگنی اسلامی را به خود جذب نمود. بدین گونه **اولین بافت جال عنکبوتی دهشت افگنی اسلامی** پی افکنده شد. در اواسط دهه ۸۰ بود که اسامه به چهره بلند آوازه بدل گردید، او در جنگ جلال آباد شرکت نمود. در پایان دهه ۸۰، آموزشگاه های مقاومت افغانی در پاکستان به مراکز دهشت افگنان اسلامی بدل شدند. (مجله روشنی ، شماره ۱۵، ص ۱۵)

احمد رشید ژورنالیست صاحب نظر پاکستانی در ارتباط به تربیت چریکهای اسلامی توسط CIA ، مینویسد: در سالها (از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲) بیش از ۱۰۰ هزار اسلامگرای افراطی از طریق برنامه سیا بطور مستقیم یا غیر مستقیم با پاکستان و افغانستان مرتبط شدند. هدف سیا آن بود که آموزش های چریکی را با تعالیم اسلامی در هم آمیزد و «**چریکهای اسلامی**» تولید کند. احمد رشید تخمین می زند که از آن میان حدود ۳۵ هزار مسلمان افراطی از ۴۳ کشور اسلامی در کنار مجاهدین افغانی جنگیدند.

احمد رشید می افزاید: در جمع هزاران رضاکار عرب ، جوانی از عربستان سعودی ، بنام «اسامه بن لادن» فرزند یک ثروت مند یمنی، محمد بن لادن بود که برای بار اول در سال ۱۹۸۰ به پیشاور آمد و با رهبران تنظیم های جهادی دیدار کرد، در رفت و برگشت خود مبالغ زیاد پول در اختیار تنظیمها گذاشت تا اینکه در سال ۱۹۸۲ تصمیم گرفت در پیشاور مقیم گردد. در سال ۱۹۸۶ در اعمار یک مجتمع ذخیره گاه های سلاح ، وسایل تربیتی و مواد و افزار صحنی در داخل یک تونل بزرگ در کوه های خوست ، همجوار پاکستان که اصلا از طرف اداره اطلاعات امریکا (سیا) تمویل میگردید، سهم بسزائی گرفت. برای اولین مرتبه مرکز تربیوی خود را در خوست ایجاد کرد تا عربهای - افغان را در آن مهارت جنگی بدهد. عربهای - افغان ، اسامه را بصفه رهبر خود احترام میدارند.

اسامه خود در این مورد اظهار کرده : «**عربستان مرا تعیین نمود تا بحد بی خدایان روسی و دنباله روان افغانی شان مقابله کنم. در پاکستان ، متصل سرحد افغانستان مسکن گزیدم. رضاکاران عربستانی و کشورهای عربی و کشورهای اسلامی را دور خود جمع نمودم. اولین مرکز تربیوی را بکمک افسران نظامی پاکستان و امریکا، احداث کردم. سلاح و مهمات از طرف امریکا تهیه میگردید و پول از عربستان میرسید. بعدتر درک کردم که این کافی نیست در داخل**

افغانستان جنگ کنیم ، بلکه لازم است در تمام جبهات به مقابله بپردازیم . هم علیه کمونیستها و هم برضد سیستم جهان غرب» (طالبان، نفت و بازی بزرگ نو در آسیای میانه، صص ۱۹۲، ص ۱۹۵)

بدینسان از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ بیشتر از ۳۵ هزار داوطلب جنگ با شوروی از ۴۳ کشور دنیا وارد پاکستان شدند و پس از طی دوره های لازم که عموماً افسرانی از پاکستان و امریکا آنها را هدایت می کردند عازم جبهه جنگ در افغانستان می شدند در این میان "بیت انصار" پیشاور و دفتر خدمات رسانی (MAK) تحت رهبری بن لادن نقش واسطه را انجام می داد. این دفتر نقطه اتصال ماموران سیا و آی سی آی و مجاهدین بود.

در سال ۱۹۸۵ ترکی فیصل رئیس استخبارات عربستان با کمک قابل توجه مالی و لوژستیک به پیشاور رفت و ضمن ملاقات با بن لادن کمبودها و نیازمندی های آنها را به مقامات عربستان برای تصویب بودجه کمکی گزارش نمود .
میلت بیردن رئیس سازمان سیا در پاکستان (بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹) به مجله نیویورکر ۲۴ جنوری ۲۰۰۰ گفته بود: بلی ما می دانستیم که برای بن لادن ماهانه بطور متوسط ۲۵ تا ۲۰ میلیون دلار پول از خلیج فارس می رسید او به پول ما نیاز نداشت اما تجهیزات ما برای او کارساز بود . سیا بطور کامل از فعالیتهای MAK و دفتر بیت انصار آگاه بود.

ویلیام کیسی رئیس سیا، شخصا در سال ۱۹۸۶ یکی از مدیران ISI را مامور کرد تا داوطلبان نخبه را از کمپ های آموزشی پاکستان شناسایی و برای آموزش به کمپ پیری مرکز سری سیا در ورجینیا و در کمپ بروکلین در نیویارک منتقل سازد. در این دو کمپ صدها جوان مصری، پاکستانی، سعودی، یمنی، اردنی و ... حتی آمریکایی، آموزشهای ویژه و حتی آموزش ساخت و استفاده از سلاحهای کیمایی دیدند و بیشتر آنها پس از آموزش به جلال آباد اعزام می شدند .

تام کیروی یک مامور انگلیسی که به مجاهدین آموزش می داده به آبرور میگوید: تمام چیزهایی که ما به آنها آموزش دادیم تا علیه شهرهای بزرگ شوروی و علیه شهروندان خود و منافع شوروی بکار گیرند هم اکنون آنها علیه خودمان بکار می گیرند .

بسیاری از افرادی که امروز تروریستهای القاعده نام گرفته اند از سوی رئیس جمهور ریگان و بوش پدر، مدال قهرمانی گرفته اند. نمونه آن **علی محمد** یکی از افراد اردوی امریکا است که هم اکنون بجرم دلسوزی برای القاعده در امریکا زندانی است و لقب قهرمانی نیز از وی سلب شده است. او در افغانستان مامور آموزش افراد القاعده بود و به همین دلیل مدال گرفته بود .

رابین کوک وزیر در کابینه انگلیس طی مصاحبه ای به گاردین گفته بود: غرب باید اعتراف کند که مقصر است و در جنایت القاعده سهیم است. دشمنی با بلوک شرق ما را کور کرده بود فقط به کوتاه مدت فکر کرده بودیم . برژینسکی می گوید برای ما مهم آزاد سازی اروپای شرقی و فروپاشی شوروی بود با طالبان و القاعده نیز سر فرصت می شد معامله کرد.

رئیس جمهور پاکستان در پاسخ به این اتهام امریکا و انگلیس که هر جا عملیات تروریستی انجام می شود سرنخایی و حلقه وصلی بین آن و پاکستان وجود دارد، از انفجارهای کنیا و تانزانیا تا نیویارک ، لندن، مادرید و بمبی ای چنین پاسخ داده است : مشکل به زمانی برمی گردد که بین ۲۰ تا ۳۰ هزار جنگجو برای مبارزه با کمونیزم وارد پاکستان شدند و شبکه مساعدت و سازماندهی آنها در پاکستان انجام گرفت و ما در مسلح کردن و پشتیبانی مالی آنها نقش نداشتیم (یعنی خود شما آمریکایی ها و انگلیسی ها و عرب های غرب گرا همه کاره بودید)

بن لادن می گوید ما با امریکا می جنگیم چون حکومت جنایتکاری است ، ما شوروی را دشمن شماره یک مسلمانان قرار دادیم و بر امپراتوری شر (شوروی) پیروز شدیم و به یاری خداوند بر شیطان بزرگ امریکا نیز پیروز خواهیم شد. هنگامیکه شوروی فرو پاشید امریکا افتخارات این پیروزی را بطور تام و تمام از آن خود دانست و پیشیزی هم برای مجاهدین و القاعده و دیگران قائل نشد. در تمام فیلم های سینمایی که راجع به جنگ افغانستان ساخته شد حتی یک عرب وجود ندارد ، قهرمانها همگی یا امریکایی هستند و یا مجاهدین که فقط به عنوان راه بلدهایی البته نادان ، احمق و تند خو ، کماندو های امریکایی را راهنمایی می کنند. و این کماندو ها هستند که همه جا دشمنان خود را با زرنگی نابود می کنند و اصلاً حتی زخمی هم بر نمی دارند و همیشه پیروز فیلم هستند اگر هم فردی از همراهان کماندوهای امریکایی کشته می شود همان رابلد های محلی هستند که بدلیل عدم توجه به فرامین امریکایی ها کشته می شوند و این مصادره افتخارات پیروزی و انحصار طلبی امریکا خود آغاز بروز سوء ظن میان این دو طایفه بود . افراد القاعده هنگام خروج شوروی از افغانستان به کشورهای خود بازگشتند و در میان توده های مردم از آنها همچون قهرمان استقبال شد اما دولتمردان هیچ سهمی برای آنها قائل نشدند .

در عربستان دولت به درخواستهای اسامه بن لادن برای بکارگیری نیروهایش بجای تفنگداران امریکا دست رد زد و صدها هزار تفنگدار امریکایی را به سرزمین خود راه داد. غربی ها حاضر نشدند به آنها در آزادسازی کویت نقشی بدهند. در عربستان ناراحتی گروه بن لادن (عرب افغان) را به همراه داشت. این گروه تهدید کرد که اگر امریکایی ها از سرزمین **وحي** بیرون نروند علیه آنها اعلام جنگ خواهد کرد. نه دولت عربستان و نه امریکا هیچگونه اهمیتی برای این تهدیدها قائل نشدند . حتی وقتی انفجار طهران ۱۹۹۶ صورت گرفت، امریکایی ها این انفجار را به ایران نسبت

دادند و به هیچ عنوان حاضر نبودند بپذیرند که القاعده حاضر به انجام خرابکاری علیه امریکا است اما خود سعودی ها از متهم کردن ایران امتناع ورزیدند و به گروه بن لادن مظنون شدند. دولت سعودی ثروت بن لادن را مصادره کرد و در سال ۱۹۹۴ تابعیت سعودی را از وی سلب نمود.

پس از ۱۱ سپتامبر هیچ روزنامه و نشریه و رادیو و تلویزیونی و رسانه بی در جهان نیست که با نام و کارنامه های اسامه صفحات خبری و اطلاعاتی خود را رنگین نکرده باشد. و اینک که از آن حادثه شوم و مرگبار ۸ سال میگذرد، تا هنوز منابع خبر رسانی و اطلاعات جمعی سعی دارند تاهرحادثه کوچک و بزرگی را که درگوشه و کنار جهان رخ میدهد، به اسامه بن لادن نسبت دهند و با تاثیرگذاری نفوذ جهانی او توجه شنوندگان و خوانندگان و بینندگان را بخود معطوف نمایند.

اسامه فرزند محمد لادن یکی از برجسته ترین تیکه داران ساختمانی شرق میانه و عربستان سعودی است که پس از اعمار قصر پادشاه عربستان سعودی امتیاز منحصر به فرد حفاظت و توسعه مسجد مکه معظمه و کلیه شاهراه هایی را که شهرهای عربستان سعودی را به مکه وصل میکنند، از پادشاه آن کشور عبدالعزیز بدست آورد و از این مدرک میلیارد ها دالر بدست آورد. محمد لادن ۱۱ زن داشت که از این زنها صاحب ۵۴ فرزند نرینه و مادینه بود. خوردترین زن محمد لادن که یک فلسطینی بود در ۱۹۵۷ در شهر ریاض عربستان سعودی فرزندى دنیا آورد که پدر او را اسامه نام داد. محمد بن لادن فرزندانش را در مدارس و هابیت گذاشت تا تعلیمات شدید این مذهب را بیاموزند. او موعظه کنندگان سلطنت سعودی را تمویل میکرد. در همین محیط تربیتی، اسامه بن لادن بزرگ شد و با داشتن مقام پسر یک ثروتمند با شهزاده ها همبازی گردید، اما بمجردی که به جوانی رسید، ترجیح داد که بیشتر با علمای دینی تماس داشته باشد.

اسامه در پوهنتون شاه عبدالعزیز در جده به تحصیل در رشته انجنیری پرداخت و در ضمن تعالیم اسلامی را بصورت پراکنده از محمقطب (برادر سید قطب، رهبر اخوان المسلمین مصر) و عبدالله عظام (یکی از واعظین پرشور فلسطینی) فرا گرفت. برای اسامه بن لادن که در سن بلوغ در ردیف میلیارد ها قرار گرفت، دنیای اندیشه و تعمق در دکترین اخوان المسلمین و (سلفیزم) نوع سعودی خلاصه میشد.

بن لادن مقارن تجاوز اردوی سرخ به افغانستان در تبنانی با ترکی فیصل (رئیس استخبارات عربستان سعودی) سفری به پشاور نمود و در آنجا با عبدالله عظام، علمبردار جهاد افغانستان ملاقات نمود. عبدالله عظام یک فلسطینی اردنی بود که در ۱۹۷۰ به حکم ملک حسین مورد تعقیب قرار گرفته در شهر "رزقه" نزدیک عمان پناه برده بود، او بر اثر خطابه های پرشور خود در میان فلسطینی های فراری شهرت و مقام بلندی کمتی کرده بود. با تجاوز شوروی به افغانستان عبدالله عظام با عده یی از پیروان خود به پاکستان رفت و در مجامع اسلامی پاکستان به ایراد خطابه های آتشین مبادرت نمود. عظام در پشاور مشکلات لوژیستیک مجاهدین را مدنظر گرفت و در تهیه سلاح و احتیاجات زندگی فامیل های شان داخل اقدام شد و به جلب رضاکاران ملل اسلامی برای جهاد افغانستان پرداخت. اسامه شدیداً تحت تاثیر خطابه های آتشین عظام، این مرد چهل ساله قرار گرفت و خلای راکه در کارش موجود بود از تعلیمات عظام پراساخت.

اسامه شرایط زندگی مهاجرین افغان را با امکانات معاونت به آنها از نزدیک مطالعه کرد و به عربستان سعودی بازگشت و با ترکی فیصل ملاقات نمود. شهزاده اجازه کامل خود را به او ابلاغ نمود و چک سفیدی در اختیارش گذاشت. اسامه مجدداً به پشاور بازگشت و سرکیسه راباز کرد. از آن پس اسامه کمپ های مجاهدین را نظارت و تمویل میکرد و در مدت چندسال شهرت او تکمیل شد و دیگر ضرورتی نبود تا از پول شخصی خود مصرف کند. پول های بی شماری از جانب حکومت و شخصیت ها و شیخ های خلیج و امارات عربی بنام جهاد افغانستان، به حساب بن لادن سرازیر شد و او خزانه دار کمک های اعراب به افغانستان گردید. به نظر میرسد که بیشترین کمک ها به احزاب اخوانی گلبدین حکمتیار و عبدالرسول سیاف و هابی تعلق میگرفت. اسامه پروژه های جهادی را آباد نمود و در ترویج و هابیت در بین افغانها تلاش گسترده کرد. بعد از مرگ عبدالله عظام در سال ۱۹۸۹، مسوولیت سازمان او (الخدمت) را بدوش گرفت و سازمان «القاعده» پایگاه نظامی، راتاسیس کرد تا به عربهای - افغان و خانواده های شان کمک مالی رساند و در بین آنها اتحاد قیام کند. هزاران جنگاور عربهای - افغان به کمک اسامه در کنزو نورستان و بدخشان پایگاه تاسیس نمودند.

ناظرین بدین باورند که، ثروت، سخاوت، بی پیرایگی در معاشرت و جرئت در نبرد از وی شخصیت افسانوی ساخت. بن لادن در سال ۱۹۸۸ یک دفتر «ثبت دست آوردها» را تاسیس کرد. این دفتر موظف به ثبت و سجل جهادبست هاو کلیه داوطلبانی بود که به کمپ وی روی می آوردند. تاسیس این دفتر بعدها مبنای برای سازمان «القاعده» گردید. در سال ۱۹۹۰، اسامه از اختلافات درونی مجاهدین افغان به تنگ آمد و به عربستان سعودی مراجعت کرد تا شرکت ساختمانی فامیلی خود را سرپرستی کند. اسامه یک سازمان خیریه را بناکرد تا از ۴۰۰۰ عرب افغان که در مکه و مدینه جاگزین شده بودند، دستگیری نماید و به بازماندگان کسانی که کشته شده بودند، کمک نقدی و مالی رساند.

در جون ۱۹۹۰ عراق برکویت حمله نمود و تهاجم عراق بر کویت موجب اندوه و خشم بن لادن گردید. قبل از آنکه متحدین به یاری عربستان سعودی بشتابند، بن لادن به ملک فهد پادشاه آن کشور پیشنهاد کرد تا مبارزین «القاعده» خود را بمنظور دفاع از سرحدات عربستان فراخواند. اما شاه سعودی بجای قبول این پیشنهاد، از امریکا کمک خواست و بلا درنگ امریکا و متحدینش با قوای ۳۵۰ هزار نفری بکمک عربستان و کویت شتافتند و بعد از سرکوبی عراق در خاک

عربستان پایگاه زدند و ۲۰۰ هزار سرباز خود را طور دایمی در عربستان باقی گذاشتند. بن لادن همینکه ملاحظه نمود که نیروهای امریکای در خاک عربستان مستقر شده اند، به حلقه ای که بامداخله امریکا و ائتلاف مخالف بود، پیوست ، این حلقه در اطراف دوشخصیت مذهبی یعنی «شیخ عودا» و « شیخ حوالی» تشکیل یافته بود. مخالفت بن لادن باحکومت سعودی سبب شد تا نظربند و پا سپورتش از وی گرفته شود. بن لادن مغضوب رژیم سعودی ، در اثر مناسبات خانوادگی در اپریل ۱۹۹۱ موفق به فراربه خارج از عربستان شد ، ابتدا به یمن و سپس به سودان رفت و با حسن ترابی رهبر مذهبی سودان طرح دوستی ریخت . این زمانی است که حسن ترابی از ۱۹۹۱ به بعد دست به تدویر چارکنفرانس مردمان عرب و مسلمان در خرطوم زده است .کنفرانس ها به مقصد اتحاد دنیای اسلام علیه تجاوز امریکا و شرکاء برگذارشده بود. بنابراین بن لادن با علاقمندی در آنها سهم گرفت .علیرغم اختلافات عقیدوی ، همه در مورد مخالفت با «عملیات طوفان صحرا» و موفقیت نظامی امریکا موضع واحدی داشتند. حسن ترابی در مجموع با بهره برداری از انتصابات و اختلافاتی که بدنبال جنگ خلیج در دنیای اسلام ظهور کرده بود، در صدد تدارک یک قطب دشمن با امریکا بود. بن لادن در هنگام اقامت در سودان زمینه خروج بسیاری از جهادبست های را که «نامطلوب» تشخیص شده بودند، از پاکستان فراهم نمود و به آنها سفرخرچ و در عین حال شغل پردرآمد در تصدیهای که در کشورهای مختلف اسلامی از جمله سودان و یمن ، به سرمایه شخصی تاسیس کرده بود، فراهم نمود.بسیاری از رزمندگان اسلامی در یمن ، کشوری که خانواده بن لادن از آنجا به عربستان رفته بود، مسکون شدند.

حکومت عربستان در ۱۹۹۴ بن لادن را از تابعیت عربستان سعودی محروم ساخت و از حکومت سودان خواهش کرد تا بن لادن را از آن کشور اخراج نماید. به تعقیب انفجار بمب در عربستان وکشتن پنج امریکائی در آن حادثه در ۱۹۹۵ ، در جون ۱۹۹۶ در پایگاه نظامی امریکا در«ظهران» (عربستان سعودی) انفجاری بوقوع پیوست که منجر به قتل ۱۹ تن سرباز امریکائی گردید. از این تاریخ بیعد روابط سیا با اسامه صدمه دید و دگرگون شد. سیامعتقد است که تمام عملیات ضدامریکائی بوسیله بن لادن تمویل میگردد. اما بن لادن مسئولیت این حادثه را بدوش نگرفت ، ولی با کمال تعجب دیده شدکه پس ازیک تحقیقات سر بسته و اعترافات قبلاً ترتیب شده در یک دادگاه مختصر چهار نفر از اهل تشیع عربستان مجرم شناخته شدند و در ریاض اعدام گردیدند، بدون اینکه به درخواست **FBI** که تحقیقات از آنها بود، ترتیب اثری داده شود. مگر در ۲۳ اگست همین سال بن لادن از طریق پخش اعلامیه جهاد تحت عنوان «عبادت کنندگان، خداوندان متعدد را از عربستان سعودی بیرون اندازید!» امریکا را به صفت اشغالگر سرزمین مقدس مورد حمله قرار داد. اعلامیه پس از بیان رنجهای و محدودیت های که اتحاد صیهونیست و مسیحیت بر مسلمانان کشورهای مختلف جهان تحمیل کرده است ، اشغال دو مکان مقدس اسلامی را بزرگترین تعرض در نوع خود میدانند. اعلامیه خاطر نشان میکند که رستاخیز اسلام بقوت علما و فقها میتواند بر مشکلات غلبه کند. پنج عالم اسلامی که این اعلامیه را امضا کرده اند(عبدالله عظام ، احمد یاسین رهبر حماس فلسطین، عمر عبدالرحمن مصری و دو تن سعودی یعنی عودا و حوالی) از نظر فکری در حد وسط بین اخوان المسلمین و جریان سلفی -جهادی قرار دارند. بن لادن خود را در خط عقیدتی اشخاص متذکره قرار میدهد.

در سال ۱۹۹۶ امریکا از طریق عربستان سعودی برحکومت سودان فشار واردکرد تا بن لادن را از سودان اخراج نماید. در ماه می همان سال ، اسامه با شماری از هواخواهان و محافظین و اعضای فامیل خود بشمول ۳ زن و ۱۳ فرزند، توسط یک طیاره چارتر از خرطوم به جلال آباد وارد گردید و در تحت حمایت شورای جلال آباد قرارگرفت. دولت ربانی - مسعود در ماه می ۱۹۹۶ به اسامه بن لادن و سایر رهبران القاعده پاسپورت های افغانی و حتی تذکره های افغانی ارسال داشتند و آنها را از سودان به افغانستان خواستند. در میدان هوایی جلال آباد نماینده های شخصی برهان الدین ربانی و احمدشاه مسعود از بن لادن و رفقای او استقبال نمودند و آنها را تا محل معینی (که ایشان برایش تدارک دیده بودند) مشایعت کردند. احمدشاه مسعود با القاعده در ارتباط مستقیم بود، چنانچه (عبدالله عظام) مؤسس این شبکه در توصیف مسعود معترف شده است. عظام بعداً بطور مرموزی بقتل رسید و معاون او یعنی اسامه بن لادن سر کرده القاعده گردید.

روابط و علایق احمد شاه مسعود با بن لادن همواره حسنه بود، چونکه از یک چشمه «اخوان المسلمین» آبیاری میشدند. "به تعقیب اضمحلال شوروی و دشمنی القاعده با امریکا، مسعود پالیسی دوطرفه را بازی می نمود و پول هنگفت سی ای ای مسعود را تدریجاً از القاعده دور و در عوض با سی ای ای ملحق ساخت: افسر ارشد سی ای ای مایکل شیوور در کتاب خود "از دیدگاه دشمنان ما " و مقام ارشد سیا (گیری شرون) که بزبان دری و پشتو خوب تکلم مینمود در کتاب خود "نخستین دخول " و همچنین ایدیت روزنامه واشنگتن تایمز(ستيو كول) در کتاب خود " جنگ های ارواح " این راز ها را افشا ساخته اند. همین بازی دوطرفه جنگسالار مسعود بود که موجب قتل او گردید."(رک مقاله عرفان،سنگ فروش یاقهرمان- افغان - جرمن آنلاین)

بعد از فتح کابل توسط طالبان در سپتامبر ۱۹۹۶ ، اسامه با ملاعمر رهبر طالبان طرح دوستی ریخت و در سال ۱۹۹۷ از جلال آباد به قندهار برده شد. پاکستان در معرفی اسامه به رهبری طالبان در قندهار نقش عمده بازی نمود. پاکستان با این حرکت خود آرزو داشت کمپ تربیوی خوست را که در دست طالبان بود، برای تربیه رزمندگان کشمیر بکمک مالی اسامه فعال نگهدارد. کدر رهبری درس خوانده طالبان که به تفکرو ایدئالوژی پان اسلامیزم تا حدی معتقد بودند، در اثر

تلقین پاکستان، متباقی کدر رهبری طالبان را راضی ساختند تا کمپ تربیوی خوست را در اختیار اسامه بگذارند. نظریات اسامه در طرز تفکر کدر ارشد طالبان نفوذ فوق العاده داشت. گفته میشود اسامه دختر خود را برای ملا عمر داده بود و دختر ملا عمر را خود بزنی گرفته بود.

«یوسف بودانسکی» (تحلیلگر مسایل: ونویسنده هفت کتاب در مورد دهشت افگنی، مدیر بررسی انجمن مطالعه نبردهای استراتژیک، و مشاور عالی مقام در وزارت دفاع امریکا و وزارت امور خارجه آنکشور) در کتابی که تحت عنوان «بن لادن مردی که با امریکا اعلام جنگ داد» در سال ۱۹۹۹ انتشار داد و تا اوایل اکتوبر ۲۰۰۱ چاپ دوم آن به بازار آمد، در فصل معرفی کتاب، یاد آور میشود که اعلام جنگ بن لادن با امریکا، واژه های میان خالی نیستند. او از امریکا و تمدن معاصر نفرت دارد و امریکا را هسته «نوگرانی» و «تجدد» میدانند. او به این باور هست که تمام درد سرهای جهان اسلام، ناشی از همین امر است. بودانسکی استدلال میکند که چراغ دانش در اسلام، پس از سده یازدهم میلادی خاموش گردید و از درون با بحران ها و شکستها روبه رومیگردد. تبلور این بحران را میتوان در عصیانهای دهشت افکنانه بی دیدکه در هسته اش واژه های «جهاد» و «شهادت» جا دارند. شیخ محمد ابوزهره، استاد دانشگاه الازهر قاهره در ماه اکتوبر ۱۹۹۶م گوهر جهاد را چنین تعریف نمود: «جهاد، تنها گردآوری لشکرو سپس لشکر کشی نیست. میتوان شکل های گونه گون را بخود اختیار نماید. باید در تمام سرزمین اسلام گروه های با ایمانی تشکل بیابند و خویشتن را با همه وسیله ها مجهز بسازند و سپس بر کفار یورش ببرند و آنان را دچار عذاب همیشگی بسازند... جهاد هیچگاه پایان نمی پذیرد... تا روز قیامت.» این را میتوان باور پایه بی دهشت افکنان اسلامی علیه «دیگران» خواند.

بودانسکی، در فصل «بحران و زایش دوباره» میگوید: بن لادن پس از خروج قشون شوروی از افغانستان، چون قهرمانی به عربستان برگشت، او حالا دیگر آدم مجرب، آبدیده و پخته نی شده بود و اندیشه اش بنیادگراتر. دربار سعودی که خود را متولی دومکان مقدس و سرپرست دنیای اسلام می دانست، او را به آغوش باز پذیرفت... آغاز دهه ۹۰، شاهد گسترش شبکه عنکبوتی دهشت افگنی در بخش های بیشتر جهان گردید. میدان آموزشگاه های دهشت افگنی در پاکستان، افغانستان، سودان، و ایران در دسترس دهشت افکنان قرار گرفت. در آغاز این دهه که جنگ افغانستان فروکش کرد، تمام کسانی که آموزش دهشت افگنی دیده بودند و اکنون به نام «افغان» یاد میشوند، از مصر، سودان، یمن، تونس، اردن، مراکش، لبنان، عربستان، ایران، اندونیزیا، مالیزیا، هندو پاکستان و دیگر کشورها، در شبکه جهنی دهشت افگنی به هم پیوستند. در پایان سال ۱۹۹۴، آی اس آی و استخبارات ایران، زیربنای ساختار های دهشت افگنی را در ژور خوست در افغانستان ریختند. اینجا با سرعت به «بهشت» آموزش دهشت افگنی تروریستان تاجیکستان، چیچنیا، بوسنی هرزه گوئین، فلسطین، فلیپین، مولداویا، اکراین و تاتاران بدل شد. سرخ تمام این شبکه به دست خیره گان جنگی (آی اس آی) قرار داشت. از اینجا بود که مبارزان به سراسر جهان از «دهلیز» افغانستان گسیل میشوند. آی اس آی. از همان آغاز دهه ۹۰، طرحی داشت تا بر شاهراه کوشک - هرات - کویته فرمان براند.

در نتیجه در جریان چند ماه گروه جدیدی بنام «طالبان» که برای همین روز در یخچال نگهداشته بود، وارد معرکه ساخته شدند. اینان بزودی با یاری پول و دهشت، بخش زیاد افغانستان را «فتح» نمودند. و بر آن نام «امارت» گذاشتند. در اینجا بود که پسر لادن لنگی واقعی امارت را به سر گذاشته و به «امیر بن لادن» تبدیل شد. بودانسکی در فصل «تحریک انقلاب» به این امر می پردازد: اکنون شبکه دهشت افگنی به چنان هیولای پر قدرتی بدل شده بود که «خالقان» خود را تهدید میکرد. تار این شبکه حالا بدور گردن عربستان تنیده شد. این بار «جهاد» در خاک سعودی در کعبه اسلام اعلام شد. با گرفتاری شیخ عودا، این تهدید رفع گردید. اما سوء قصدیه جان مبارک، در ادیسه بابا، نشان داد که این هیولا در همه جا حاضر است. نویسنده در فصل «اعلان جنگ» یاد آور میشود که پسر لادن در تابستان ۱۹۹۶م، در افغانستان اقامت دایمی گرفت. او در اینجا، در کنار لقب امیر، لقب شیخ را بدون اینکه مدرسه بی را خوانده باشد، دریافت. در کنفرانس تهران که در پایان همان سال دایر شد، «شیخ» گوهر اندیشه و ایدیولوژی اش را با «اعلان جنگ با امریکا» ارایه داشت. حالا دیگر او در افغانستان بر «شاهنشاهی» دهشت افگنی فرمان میراند. آی اس آی. این شاهنشاهی را تغذیه میکرد. از همینجا «مبارزان» اسلامی را راهی کشمیر میساختند. (روشنی، شماره ۱۵، ص ۱۵)

نام اثر بودانسکی چنینست: BinLaden, The Man Who Declared War Against America, By. Y. Bodansky

بن لادن در فبروری ۱۹۹۸ ایمن الظواهری (رهبر گروه الجهاد مصر)، عبدالسلام محمد بنگله دیشی، و فضل الرحمن خلیلی رهبر جنبش انصار پاکستان را ملاقات کرد و از مجموع گروه های المغرب با ابو نصیرو یسیر احمد طها مذاکره و مفاهمه نمود و به توافق رسیدند تا جنبه اسلامی بین المللی را بر ضد یهودی ها و مسیحی ها ایجاد کنند. میثاق این جنبه بالوسیه پنج رهبر گروه های اسلامی امضاء شد. در متن میثاق بقدر کافی به قرآن و قول و قرار این تیمیه اتکا شده است. میثاق صدور اتهام علیه اتحاد صیهونیست-مسیحیت را از سر میگیرد و با بیان این فتوا که «بر هر مسلمان فرض عین است که در صورت امکان امریکائیان و متحدین ملکی و نظامی آنها را در هر کشور که می بینند، به قتل برسانند» برخورد خشنوت آمیز را وارد مرحله جدی می نماید. اعلامیه جهاد که بن لادن خود را مکلف به تطبیق آن می داند، از حادثه «خوبار» در شبه جزیره (جون ۱۹۹۶) و از پیروزی اسلامیتها در سومالی (اکتوبر ۱۹۹۳) با رضائیت یاد

نموده علاوه میکند: فرزندان عرب که در افغانستان، بوسنیا و چینیا جنگیده اند، باید به مبارزه خود تا استقرار یک دولت اسلامی در شبه جزیره العرب ادامه دهند.

سیا(CIA) این اعلامیه راهتهدیدی جدی گرفت و با اسامه ابن لادن اعلام جنگ داد. سیا برای از بین بردن بن لادن به احمدشاه مسعود توسل جست و با دادن ماهانه نوسد هزار دلار امریکائی و وعده های کمک های دیگر به وی از اوخواست بن لادن را شکار کند. مگر مسعود با بازی کجدار و مریز خود سیا را بازی میداد و روز را پس روز میکرد تا اینکه اسامه از این جریان مطلع گردید و شبکه القاعده، مسعود را در اقامتگاه او در خواجه بهاءالدین حسین مصاحبه نابود کردند و دو روز بعد در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی دو مرکز تجارت بین المللی را در نیویارک و پنتاگون (مقر وزارت دفاع) را در واشنگتن مورد حمله قرار دادند که منجر به ویرانی آن مراکز و کشته شدن بیش از سه هزار انسان بیگناه در آن کشور گردید.

امریکا از آنسوی اوقیانوسها به عزم نبرد باین لادن لشکر کشید و با همدستی ائتلافی از ۴۰ کشور جهان بساط طالبان را که حامی بن لادن پنداشته میشدند، در افغانستان برچید و برای نابودی بن لادن و شبکه او کوه های توره بوره را در شرق افغانستان با بمب های هفت هزار کیلوئی سوراخ سوراخ نمود، اما سرانجام معلوم شد که تیکه داران دستگیری بن لادن، رهبر القاعده را در بدل پول ویا انعام سالم به پاکستان رساندند.

bbc در ۱۱ جنوری ۲۰۰۷ گزارشی را پخش کرد که در آن گفته شد: گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، در مصاحبه ای با شبکه تلویزیون "جیو TV" پاکستان گفته است که ۵ سال پیش، هنگام حمله نیروهای امریکایی به منطقه کوهستانی توره بوره در شرق افغانستان، نیروهای حامی وی به اسامه بن لادن، رهبر القاعده، کمک کردند تا از منطقه فرار کند. بقول حکمتیار ایمن الظواهری، نفر شماره دوم القاعده، نیز به مکانی مخفی انتقال داده شد. خبرنگاری که این گفتگو را به زبان پشتو انجام داده به خبرگزاری رویتر گفته است که این مصاحبه در حدود ۳ هفته قبل (یعنی او اواخر دسامبر ۲۰۰۶) در افغانستان انجام شده است.

حقیقت بن لادن:

بروس ریچاردسن، نویسنده معروف امریکائی، در مقاله ای ز عنوان استاد ژانروسی، به ارزیابی کتاب "راج امریکائی: آزادی یا فرمانفرمائی" تالیف ایریک مارگولیس نو یسنده کانادائی پرداخته و تبصره یک تحلیلگر روزنامه گاردین چاپ انگلستان را در مورد بن لادن چنین نقل میکند:

"بن لادن در حقیقت کیست؟ اجازه دهید این پرسش را به گونه دیگر مطرح کنم. اسامه بن لادن چیست؟ لادن سربست از اسرار خانواده امریکایی. وی منادی روح دوگانه بد کنشیهای رئیس جمهور امریکاست. وی در میان تمامی مفاهیم و نشانی های زشت، شنیع ترین مفهومیست که در آئینه دور نما، زیبا و تمدن می نمایاند. وی به مانند تنه درختیست که از باتلاق یک دنیای بیگانه کنده شد و به همت سیاست خارجی امریکا در لجنزار کثافت انداخته شده است. چنان سیاست خارجی ای که بر محور دیپلوماسی جنگزایی، کوره های اتمی و اسلحه اتمی می چرخد، پالیسی وحشی ای که طیف وسیع زبردستی آن از دور نمایان است، پالیسی ای که در آن به زندگی امریکاییان وقتی گذاشته نه میشود و به آسانی در آن می میرند، پالیسی ای که بر محور مداخلات بربریت نظامی می چرخد، پالیسی ای که در آن دفاع از رژیم های ظالم و دیکتاتور نهفته است، و آجندهای اقتصادی آن بر محور قساوت و بیرحمی های می چرخد که به مانند ابری ملخ های گرسنه، اقتصاد کشورهای نادر را با دندان می جود اکنون راز خانواده گی بر ملا شده، ارواح های دوگانه چون نور بی نم یکی روی دیگر می لغزند و کماکان جایگزین یکدیگر میشوند. اروندهاتی رای Arundhati Roy، گاردین، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱"

در نقدی تندی که مجله ایکنومیست، بر کتاب [راج امریکایی: آزادی یا فرمانفرمائی] نوشته " ایریک مارگولیس" کرده وی را یک نویسنده عریان پرداز خوانده، اضافه می کند که ایریک با برخورداری از بصیرت روشن، از اسرار عقب پرده دنیای اسلام و غرب و معانی مفاهیم کشدار آن به خوبی آگاهست. درین کتاب ایریک مارگولیس با بی طرفی ویژه تلاش می کند دریابد که چرا مردمان دنیای اسلام به دنیای غرب به دیده تحقیر می نگرند؟ چرا القاعده چنین شهره آفاق گشته و چرا خورد و خمیر نه میشود؟ و اینکه چرا نفت به مثابه یک بهانه جنگزا برای استعمار نوین پنداشته میشود. [راج امریکایی: آزادی یا فرمانفرمائی] آن جوانب و پهلو های پالیسی مغرور و به غلط تطبیق شده امریکا را حلاجی می کند که امروز ما را در پرتگاه فاجعه خویش قرار داده است، این کتاب آن سیه رویی را بر رخ ما می کشد که در ویتنام نصیب ما شد، این کتاب بر درازنای آن راهی روشنایی می اندازد که زمانی ابر قدرت قدیم، شوروی، روی آن گام گذاشته بود ولی در پرتگاه های پر خم و پیچ آن یکسره غرق گردید.

ارزیابی نویسنده کتاب "راج امریکایی: آزادی یا فرمانفرمائی" برای من نویسنده (بروس ریچاردسن) خیلی دلچسپ است و موازی با همان خط ارزیابی پیش میرود که من آنرا از سال ۱۹۸۷م به بعد بر مبنای منابع متنوع انجام داده ام. نویسنده (ایریک مارگولیس) در صفحه ۱۹۶ کتاب خویش می نویسد: "در جریان جهاد ده ساله علیه شوروی در دنیای غرب از رهبر تاجک تبار نظامی احمدشاه مسعود، چهره ضد کمونیستی و تهمتن جنگنده کوهی در قالب یک شیر ساخته شد ... شیر پنجشیر. ولی در حقیقت مسعود با کی جی بی همکاری درازمدت داشت، این همان حقیقتیست که

درین اواخر یک تعداد افسران متقاعد کی جی بی، نقاب از رخ او برداشته اند. مسعود با حیل و نیرنگ نشان می داد که با نیروهای نظامی شوروی در جنگ است ولی تمام تلاش وی متمرکز بر امحای مجاهدین پینتون تبار بود؛ مسعود با مجاهدین پینتون تبار در جنگهای در گیر بود که میخواستند با حمایت جواسیس ادارات استخباراتی پاکستان تونل سالنگ را که قلب شاهراه ستراتیژیک اکمالات لشکر شوروی بود منهدم سازند، وی در برابر همه این تلاش ها ایستاد و آنرا خنثی کرد. مسعود درین حیل و نیرنگ نیز مستغرق بود تا "شورویها را متقاعد سازد که از حمایت نجیب الله دست بردار شوند و وی را برای حاکمیت افغانستان بر اریکه قدرت بنشانند."

ریچاردسن می افزاید: در کارگاه فکری و در چهار راهه کارخستگی ناپذیر نویسنده (ایریک مارگولیس) پرسش بی جواب و شک اندودی در تکاپوست مبنی بر اینکه آیا در سانحه یازدهم سپتامبر اسامه بن لادن قصور و گناهی دارد یا خیر، آیا واقعاً نامبره طراح اصلی واقعه بود که زمینه گشای توجیهاات امریکا در جنگ ناپایان شود. ما حال می دانیم که در سال ۲۰۰۱ م در ماه جولای بن لادن در امارات متحده عربی در دویی تحت معالجه ودرمان صحی قرار داشت که قونسل امریکا و دو تن از جواسیس سی ای ای به عیادت شان رفته بودند. این همان زمانست که بن لادن متهم به حملات تروریستی در عربستان سعودی و افریقا بود و همه در صدد دستگیری وی بودند. بعد از آن عیادت، اسامه بن لادن بار دگر در سال ۲۰۰۱ به تاریخ های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سپتامبر در شفاخانه راولپندی بستر بود. باز هم به مانند دویی، به عیادت بن لادن شارژدافیر سفارت امریکا مقیم اسلام آباد و دو تن افسران سی ای ای میروند. در دو مثال فوق جالب اینست که زمینه گرفتاری طراح حادثه یازدهم سپتامبر موجود بود ولی هیچ نوع اقدامی صورت نه می گیرد. زمانیکه کسی تلاش های مأمورین سری طالبان را در راه حل مشکل بن لادن مبنی بر سپردن وی به ادارات کلنتن بوش و رد پیشنهادهای مذکور را با تلخ زبانی ادارات مذکور در نظر بگیرد به این نتیجه میرسد که شیخ بن لادن در واقع زمینه گشای منطقی و موجه پیداده شدن عساکر و نیروی نظامی امریکا و راهگشای نفوذ اقتصادی و ستراتیژیک امریکا در منطقه می باشد. " (رک: استاد ژانر نویسی، افغان-جرمن آنلاین)

تأثیرین لادن بر تندروان پاکستانی :

سلیم شهزاده در لوموند دیپلوماتیک مینویسد: در اوایل سال ۲۰۰۶ بیش از چهل هزار جنگجوی خشن عرب تبار، چینی و ازبک، و پاکستانی از شهرهای دیگر به وزیرستان شمالی و جنوبی سرازیر شدند و در کنار جنگجویان وزیرستان قرار گرفتند. القاعده با اعلانی مبنی بر تشکیل امارت «ناب اسلامی» در وزیرستان، برای دستیابی به هدف نهایی به راه انداختن شورشی علیه دولت نظامی اسلام آباد که طرفدار غرب بود، فعالیتها مسلحانه را در بسیاری از مراکز شهری در اولویت قرار داد. اکثریت مبارزان گرد آمده در وزیرستان ترجیح می دادند به جای آن که علیه نیروهای خارجی در افغانستان بجنگند، با نیروهای مسلح پاکستان در مناطق قبایلی نبرد کنند. طاهر یولدش، یکی از تندروان نامدار ازبک و نظریه پرداز تکفیرگرایی ساکن وزیرستان جنوبی، در تاکید این ستراتیژی فتوایی صادر کرد؛ عبد خلیق و صدیق نور، از سران طالبان وزیرستان نیز در همین راستا موضع گرفتند. در نهایت ایجاد امارت اسلامی در وزیرستان شمالی و جنوبی مطرح گردید که به درگیری های دولت پاکستان از یک سو و طالبان این کشور و القاعده از سوی دیگر منجر شد. در نتیجه ارتش پاکستان چند عملیات خونین انجام داد و صدها تن از جنگجویان و از جمله تعدادی زن و کودک را قتل عام کرد که به خشم بنیادگرایان دامن زد. (لوموند دیپلوماتیک، سپتمبر ۲۰۰۷)

نکته جالبی که سلیم شهزاده، در رابطه به ترکیب القاعده پرداخته اینست که مینویسد: " اعرابی که به منظور الحاق به مقاومت افغانستان به سوی این کشور سرازیر گشتند، به دو جناح «یمنی» و «مصری» تقسیم شدند. گروهی که به تحریک امامان خویش به جهاد افغانستان پیوستند، به جناح یمنی تعلق داشتند که با به پایان رسیدن جهاد، به کشورهای خویش بازگشتند یا در جمعیت بومی افغانستان و پاکستان ادغام شدند. بقول حدیفا عظام پسر دکتر عبدالله عظام «بیشتر مبارزان یمنی، جنگجویان خشن هستند که تنها آرزویشان شهادت است. اما جناح «مصری» از افرادی تشکیل می شد که به سیاست گرایش بیشتری داشتند و دارای انگیزه های عقیدتی قوی تری بودند. اکثر آنان به گروه (اخوان المسلمین) و یا به جنبش زیرزمینی جهاد اسلامی به رهبری داکتر ایمان الطواهری (نفر دوم سازمان القاعده) وابسته بودند.

در پاکستان بسیاری از گروه های تندرو خارجی چون : الجماعت المقاتبله، گروهی در اصل لیبیایی به رهبری شیخ ابولیت اللیبی؛ جبهه البیراد ابن الملیک، اکثریت این گروه را لیبیایی ها تشکیل می دهند؛ جیش المهدي، تاسیس شده توسط فردی مصری به نام مرحوم عبدالرحمن کندی که هم اکنون توسط ابو عزا هدایت می شود؛ گروهکی موسوم به جماعت جهاد که بیشتر از مصریان تشکیل شده است؛ تکفیر گرایان به رهبری شیخ عسا؛ و جنبش اسلامی ازبکستان به رهبری طاهر یولدش، تحت لوای ایمان الطواهری گرد آمده اند. «مصریان» پس از سقوط دولت کمونیستی کابل باز هم در آنجا باقی ماندند، چرا که به خواست های سیاسی خویش نرسیده بودند. کمی بعد آنان به بن لادن پیوستند که در سال ۱۹۹۶ از سودان بازگشته بود. این گروه اقدام به تغییر دیدگاه به سوی بینش تکفیر گرایی کردند، در حالیکه تا به آن روز تفکر آنان به طور کامل به سوی نبرد علیه تسلط امریکا بر خاور نزدیک متمایل شده بود.» (همان منبع)

در جنوری سال ۲۰۰۶ بمنظور از میان بردن الظواهری، دهکده مولوی فقیرمحمد (دومه دوله) که فکر میشد ایمن الظواهری در آنجا پناه گرفته است، از سوی قوت‌های امریکائی مورد بمباردمان قرار گرفت، مگر در آن بمباردمان الظواهری و فقیر محمد از مرگ نجات یافتند، ولی یک عضو ارشد القاعده (ابو جناب المصری) و چند تائی دیگر اعضای القاعده کشته شدند. در ماه اکتوبر ۲۰۰۶ مولوی فقیرمحمد بن لادن وملا عمر را قهرمانان جهان اسلام لقب داد وهمبستگی خود را با آنها برای جهاد مشترک اعلام داشت. چند روز بعد از این سخنان وی، مدرسه او (چینگئی مدرسه) از سوی نیروهای امریکائی مورد بمباردمان قرار گرفت (۳۰ اکتوبر ۲۰۰۶) که در آن ۸۴ تن طالب بشمول لیاقت حسین معاون مولوی فقیر کشته شدند. [حکومت پاکستان که تا این وقت از وجود پرورشگاه های تروریستان در خاک خود منکر بود در برابر اعتراض مردم محل بالاخره اعتراف نمود که در آن مدرسه تمام کسانی که کشته شده اند، همگی تروریستانی بودند که تعلیمات تروریستی میدیده اند] از این بیعد باجور در شرق افغانستان به مرکز قوماندده وکنترول حملات القاعده مبدل شد. مولوی فقیر محمد به انتقام از حادثه مدرسه باجور بریک قرارگاه تعلیمات نظامی پاکستانی واقع در "درگی" حمله کرد وبا یک حمله انتحاری ۴۵ تن از نیروهای نظامی را به قتل آورد، بعد از این حمله بود که حکومت پاکستان در باجور در صدد یک توافق نامه برآمد.

بعد از قرارداد وزیرستان، در ۱۷ ماه مارچ ۲۰۰۷ کمیته صلح پاکستان در باجوربا رؤسای قومی بطور شفاهی به توافق رسیدند که پاکستان از عملیات نظامی در باجور خود داری میکند و در مقابل قبایل باجوری جنگجویان مسلح خارجی را از منطقه خود خارج کنند و اجازه ندهند که به قصد حمله برافغانستان از سرحدات باجور عبور کنند. این توافقات را مولوی فقیر محمد به نمایندگی از قبایل باجوربا کمیته صلح فیصله کرد. مولوی فقیرمحمد یکی از پیشگامان تطبیق شریعت اسلامی در منطقه بود. او همان کسی است که در سال ۲۰۰۱ برای مقابله با سربازان امریکائی ده هزارمیلیشه قبایلی آماده کرده بود که برخی از آنها داوطلبانه به طالبان پیوستند. [وی در سپتمبر سال گذشته بر اثر حملات طیارات بی پیلوت امریکائی کشته شد.]

طالبان در تبتانی با القاعده، همان گونه که در افغانستان مرگ ودهشت و ویرانی می آفرینند، پاکستان رانیزمورد عملیات مرگبار انتحاری خود قرار میدهند. در سپتمبر ۲۰۰۸ دو هفته پس از انتخاب آصف علی زرداری، یک حمله انتحاری بر بزرگترین هتل زنجیره ای ماریوت در اسلام آباد اجرا شد وبا انفجار آن شعله های آتش از سراسر این هتل پنج ستاره بی بالاگردید که بر اثر آن ۵۳ کشته و ۲۶۶ زخمی بجا گذاشت. مقامات پاکستانی گفتند که در این حادثه سفیر جمهوری چک، دو نظامی امریکایی و یک تبعه ویتنامی نیز به قتل رسیده اند. وزارت خارجه هم از ناپدید شدن یکی از دیپلمات هایش خبر می دهد. در حمله بر هتل ماریوت اسلام آباد دیپلمات هایی از کشور های سعودی، انگلیس و آلمان نیز وجود داشتند. تحلیلگران انفجار هتل ماریوت را هشدار برای دولت پاکستان از سوی القاعده ارزیابی کردند.

بقول آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان، "حدود ۲۰۰۰ نفر از پاکستانی ها حیات خود را در راه مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۸ از دست داده اند که ۱۴۰۰ نفر از آنها غیر نظامی بودند و ۶۰۰ نفر از آنها جزو گارد امنیتی کشور بودند که ۳ افسر عالی رتبه اردو نیز در میان آنها حضور داشتند. تروریست ها در مقابل جنگ های ما در مرز های افغانستان به ویژه در منطقه پشتون عقب نشینی کرده اند. شش هزار تروریست در حملات اخیر کشته شدند که هزاران نفر آنها توسط جت های اف ۱۶ پاکستانی در دوماه اخیر نابود شده اند. " (دیپلوماسی ایران، روزنامه نیویورک تایمز، مقاله آصف علی زرداری - تروریست ها می خواهند پاکستان را هم با خاک یکسان کنند-)

بدون تردید طالبان پاکستان که دست آموزان سازمان استخباراتی نظامی پاکستان اند، اکنون دیگر از آموزگاران ISI خود فرمانبرداری نمی کنند، بلکه دست در دست القاعده گذاشته اند و هرچه القاعده به آنها دستور بدهد، اجرا میکنند. حمله بر نقاط مختلف در شهر بمبئی هند، گام بزرگی بود که افراطیون مذهبی برای نابودی کامل پاکستان برداشتند و زمینه جنگ میان هند و پاکستان را بیش از هر وقت دیگر مهیا نمودند.

بن لادن هنوز خطرناکترین تهدید علیه آمریکا :



بن لادن ومعاون او

بن لادن ومعاون او ایمن الظواهری تاهنوز از درون پاکستان القاعده را در سراسر جهان رهبری میکنند و تلاش امریکا در ائتلاف بین المللی تا کنون نتوانسته او و القاعده را نابود کند. برخلاف اظهارات مشاور امنیت داخلی رییس جمهور آمریکا، رییسان اطلاعاتی و اجرائی قانون و وزیر امنیت داخلی این کشور اعلام کردند که اسامه بن لادن هنوز خطرناک ترین تهدید تروریستی برای آمریکا پس از گذشت شش سال از حملات ۱۱ سپتامبر محسوب می شود.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اینترنتی زی نیوز، مایکل مک کانل، مدیر اطلاعات ملی آمریکا در جلسه کمیته سناي آمریکا گفت: سرکوب و از بین بردن اسامه بن لادن، رهبر القاعده و اکثر حامیان وی که در مناطق قبایله یی نشین پاکستان در مرز با افغانستان حضور دارند، اولین اولویت کاری ما محسوب می شود.

ارزیابی‌های مک کانل، مایکل چرتوف، وزیر امنیت داخلی آمریکا و رابرت مولر، مدیر اف. بی. ای یک روز پس از آنکه فرانس تاون سند، مشاور امنیت داخلی جورج بوش، رییس جمهور آمریکا اعلام کرد بن لادن ناتوان و عاجز است، اعلام شده است. مک کانل، چرتوف مولر و جان اسکات رد، مدیر مرکز ملی ضد تروریسم آمریکا در جلسیه کمیته سناي آمریکا حاضر شدند و جزئیات تدابیر اتخاذ شده از سال ۲۰۰۱ برای مبارزه با تروریسم داخلی و بین‌المللی را در این کمیته اعلام کردند.

جان اسکات رد گفت: کشور ما نسبت به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ امن‌تر شده است، اما هنوز این امنیت کامل نیست. ما در جنگی طولانی به سر می‌بریم. ما با دشمنی روبرو هستیم که مقاوم، خطرناک و انعطاف‌ناپذیر است. مک کانل نیز تصریح کرد که براساس یک ارزیابی جامع اطلاعاتی در آمریکا مشخص شده است که مهمترین تهدید تروریستی علیه آمریکا در سه سال آینده بن لادن و طرح‌های وی برای حمله به آمریکا که وی و حامیانش در پاکستان در حال طراحی آن می‌باشند، است. مولر نیز اظهار داشت: مقامات آمریکا به شدت نگران تمایل القاعده برای نفوذ در آمریکا با ماموران ویژه هستند. چرتوف نیز خاطر نشان کرد: نوار ویدئویی اخیر بن لادن و حملات ناکام تروریستی اخیر در انگلیس، آلمان و دانمارک این موضوع را ثابت می‌کند که دشمن به شدت بر ادامه این جنگ تمرکز کرده است.*

بن لادن در پاکستان است ولی چرا مردم ما بمباران میشوند؟

کارشناسان امریکائی باور دارند که اسامه بن لادن در چترال پاکستان به سر میبرد. این سخنان به تعقیب اظهارات کارشناسان امریکائی در خصوص نوار تصویری رهبر القاعده که در آن آمریکا را بازنده جنگ علیه خود خوانده است، صورت گرفته است. چندین نشریه و چینل تلویزیونی امریکائی از کارشناسان امریکائی ضد تروریسم نقل قول کرده اند که بن لادن در منطقه چترال پنهان است، چون چترال یک منطقه دورافتاده و صعب العبور است که نیروهای پاکستانی نمی‌توانند او را تعقیب کنند. یک متخصص امور تروریسم به چینل تلویزیونی سی بی اس گفته است شواهدی زیادی وجود دارد که چترال محل بود و باش بن لادن است.

دانیل بنجمن از انستیتوت بروکینگز که در زمان ریاست جمهوری کلینتن مسئولیت جستجوی بن لادن را به عهده داشت میگوید: اسامه در منطقه چترال حامیان زیادی دارد. مردم این منطقه به اساس رسوم مهمانوازی و شاید هم بخاطر پولی که از اسامه دریافت می‌کند، از او حمایت کنند. دانیل باور دارد که بن لادن را یک گروهی از محافظین مجهز با راکت های زمین به هوا و استخبارات خوب همراهی میکنند. بنجمن معتقد است که بن لادن سیستم خوب اطلاعاتی دارد که او را از قبل آگاه میسازد و نیز در محلی که میباشد، حلقه ایرا ایجاد میکند تا بداند چه کسی خارج و وارد محل میشود. مایکل شیور، تحلیل گر پیشین دستگاه استخباراتی سی آی ای و نویسنده سه کتاب در مورد القاعده و تروریسم به این باور است که هدف نوار جدید، براه انداختن یک غوغای تازه است و نشان میدهد که اسامه بار دیگر در محضر عام ظاهر شده می‌تواند.

مگر رحمن ملک وزیر داخله پاکستان در این اوآخردر مصاحبه‌ی گفته است که اسامه بن لادن در افغانستان است؟ این سخنان وزیر داخله پاکستان هیچ پایه و منطقی برای موجودیت بن لادن در افغانستان ندارد. نظامیان پاکستان با این سخنان خود میخواهند زمینه باز هم بیشتر بمبارانهای قوهای خارجی بر مردم مارا فراهم کنند. کشور ما از هشت سال به اینطرف بر اثر مداخلات خصمانه پاکستان، در آتش بمبارانهای نیروهای خارجی و داخلی میسوزد، و تا کنون ده ها هزار افغان در اثر عملیات نیروهای خارجی و عملیات طالبان و پیروان القاعده جانهای شیرین خود را در مناطق جنوب و جنوب شرقی و غرب کشور از دست داده اند.

بر طبق ارزیابی رادیو (بی بی سی) در تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۲، امریکائنها در یک سال بمباران خود بر افغانستان مقدار ده هزار تن بمب بالای قندهار و کوه های «توره بوره» و قندز و مزار شریف و دیگر جاهایی که گمان برده میشد شبکه القاعده و طالبان در آنجا مخفی شده اند، ریخته است. این بمبارانها در حدود ۳۷۰۰ نفر قربانی از مردم غیر نظامی افغان شامل زنان و کودکان و پیرمردان گرفته است. سربیک اریسون (رئیس پروژه امنیت ملی مرکز بین المللی پولیس در واشنگتن) مؤلف آثار متعدد در باره افغانستان، به این باور است که اوضاع افغانستان در شرایط عدم توسعه قوای صلح و فقدان تلاش جدی برای بازسازی اقتصادی به سوی انارشی انکشاف مینماید. تلفاتی که در اثر بمباران امریکا بر مردمان ملکی تحمیل شده عامل مزید بر این امر گردیده است. این مقام امریکائی قبل از بمباران طیارات امریکا بر یک محفل عروسی در ارزگان (اول جولای) که منجر به قتل و مجروح شدن ۱۵۰ نفر ملکی گردید، مقاله بسیار دقیقی در لوموند دیپلوماتیک (می ۲۰۰۲) بچاپ رسانده و در بخشی از آن میگوید: «رقم حقیقی تلفات مردمان ملکی ناشی از بمباران امریکا در افغانستان را که بالتدریج موجب تحریک خشم مردم میگردد، کسی بدرستی نمی‌داند، اما طبق سروی دقیقی که از جانب یک اقتصاد دان پوهنتون «نیو امپشیر» (ام. دلبلیو. ارولد) پس از گفت و شنید با تعداد زیادی از کارمندان موسسات کمک بشری و ژورنالیستان صورت گرفته است، طی ۸ هفته اول بمباران امریکا، تعداد تلفات اشخاص ملکی ۳۷۱۲ نفر بوده است. این تعداد زیادتر از ۳۰۶۷ نفری است که در انفجار ۱۱ سپتامبر نیویارک به قتل رسیدند. به نظر پروفیسور «مارک ارولد» رقم ۳۷۱۲ نفر تلفات ملکی کاملاً واقعی معلوم میشود.

چشم‌دیدها در محل از طرف مسئولین سازمان ملل و موسسات خیریه دیگر، مثلاً (داکتران بدون مرز) و ژورنالستان امریکائی، انگلیسی، فرانسوی و پاکستانی همه پیمانه تلفات فوق را تأیید مینمایند. تحقیقات متعدد سه عامل را در تلفات روبه افزایش افراد ملکی دخیل میدانند.

- طالبان غالباً درگرنیز یونهای اردوی شوروی سابق در نزدیک محلات مسکونی، سنگر میگیرند.

- طالبان بعضاً ذخایر اسلحه خود را در مناطق مسکونی پنهان میکنند.

- مقامات امریکائی به عوض استفاده از نشانه گیری به رهنمائی لایزر که در جنگ کوسوو، مورد استفاده قرار داده بود، از سیستم (global positioning) قمر مصنوعی که در نشانه گیری دقیق نیست، کار گرفته است. (عامل سوم تعیین کننده است). تلفات ناشی از عدم دقت نشانه گیری بالوسیله «بمباردمان فرشی» هنوز هم افزایش می یابد. این نوع بمباردمان توسط طیارات (B۵۲) و بم افکن های (BAB) عملی میشود. (BAB) حامل بمب های خوشه نی (C.P.U۸۷) است. هر بم خوشه نی مجهز به پراشوت بوده ۴۵۰ کیلو گرام وزن دارد. وقتی بم "C.P.U۸۷" به زمین فروریخته میشود، بم های کوچکی از آن پراکنده میگردد که مساحتی به اندازه مجموع دو تا سه میدان فوتبال را می پوشاند. هر بم افکن (B۱) تا سی عدد (C.P.U۸۷) را حمل کرده میتواند. در ختم جنوری ۲۰۰۲ به تعداد قریب ۶۰۰ بم خوشه نی بر افغانستان ریخته شد. این بمها غالباً در تماس با زمین منفجر میشوند. اما پنج فیصد از آنها مانند مین های دفن شده در زمین فعال باقی میمانند. به قول ارولد ۶۰۰۰ از این نوع بمها کافی است تا تمام ساحه افغانستان را به کشت زار بم تبدیل کند. (مجله دعوت، شماره ۱۴۰)

باید افزود که بی توجهی به نشانه گیریهای دقیق تا کنون علاوه بر کشتار غیر نظامیان افغان، سبب کشتن ده ها سرباز امریکائی و کاندائی گردیده است و تنها در یک عملیات در محل «کونده انا» در نزدیکی گردیز ۸ نفر سرباز امریکائی به قتل رسیدند و در حمله دیگر بمباردمان در قندهار بر سربازان کاندائی که در حال تمرینات ورزش بودند، حدود ۱۶ نفر زخمی یا کشته شدند. بر اثر این تلفات بود که امریکا سرانجام مجبور گردید عملیات بمباردمان را متوقف و بجای آن سربازان خود را وارد عملیات نابودی گروه القاعده و طالبان گرداند. با وجود عملیات نظامی امریکائیان در افغانستان اینک پس از گذشت ۸ سال، متهم اصلی حادثه ۱۱ سپتامبر (اسامه بن لادن) و ملا عمر رهبر طالبان هیچیک نه دستگیر و نه هم کشته شدند.

میخواهم به هوظنان بادر و با درک یاد دهانی کنم که سیاست بمباردمان نیروهای خارجی در کشور، به بهانه مبارزه با تروریسم و القاعده و طالبان، یک سیاست افغان کشتی است. هشت سال تمام است، که ولایت جنوب و جنوب شرق کشور که در آنها بیشتر پشتونها زندگی میکنند، مورد بمباران بی دریغ قوتهای خارجی قرار میگیرد و کسی نیست که به داد این مردم برسد و فریادشان را بشنود. مردم هلمند، فراه، شیندند، قندهار، زابل، پکتیکا، خوست و پکتیا و غزنی، وردک، لوگر، کاپیسا و لغمان و ننگرهار و کنر و نورستان چون دانه های گندم در تابه داغ بمباردمانهای نیروهای خارجی و قوتهای داخلی بریان میشوند و از میان میروند. تنور حوادث اندوهبار در کشور چنان گرم است که هنوز از غم یک حادثه جانکاه بخود نیامده ای که خبر حادثه غمناک دیگری چون پتک بر اعصاب انسان فرو می آید و راحت انسان با احساس را به زهر هلاهل مبدل میکند.

باید فکری به حال مردم مظلوم افغان کرد که از سی سال تمام بدینسو مورد ظلم و خشونت و بمباردمانهای روس و امریکا و القاعده و طالبان قرار دارد، و در حالی که در این مدت شکم اکثریت شان از لقمه نان خشکی سیر نشده است مگر باز هم بر سر کودکان معصوم شان بمب های چند هزار کیلوئی فرو می ریزد و با عملیات های انتحاری طالبان نابود میشوند. آخر این وضعیت تا کی باید دوام داشته باشد؟ تا چه وقت باید مردم در ترس و دلهره بسر برند. تا کی باید یکطرف رنج فقر و بیکاری، یک طرف دردمریزی و بی دوائی، یکطرف غم بی سرپناهی، یک طرف ترس از تجاوز بر کودکان ۴-۵-۶-۷ ساله و بی بازخواستی، یک طرف دلهره بمباری نیروهای خارجی، یک طرف ترس از عملیات انتحاری طالبان و القاعده زندگی شان را به جهنم روی زمین مبدل کرده برود؟

پایان ۱۸ / ۷ / ۲۰۰۹

* این مقاله از روی منابع ذیل به نگارش گرفته شده است :

افغانستان، طالبان و سیاستهای جهانی، بکوشش ویلیام میلی، ترجمه عبدالغفار محقق، چاپ ۱۳۷۷ مشهد - احمد رشید، طالبان، نفت و بازی بزرگ نو، ترجمه عبدالودودظفری، چاپ ۲۰۰۱، امریکا - مجله فردا، شماره ۱۶، چاپ استکهلم - آینده (نشریه نهضت آینده افغانستان) چاپ آلمان، شماره های ۹ و ۱۰-۱۱، مجله دعوت چاپ ناروی، شماره ۱۲۸ - ۱۲۹، فصلنامه روشنی، شماره ۱۵، چاپ آلمان، مقاله عرفان، سنگ فروش یاقهرمان - افغان-جرمن آنلاین و مقاله "استاد ژانر نویسی، از ریچاردسن، در افغان-جرمن آنلاین و سایت فارسی بی بی سی و لوموند دیپلوماتیک، سپتمبر ۲۰۰۷)

تعداد صفحات: ۱۰ از ۱۰

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.